

پایه

ویژه

«جام جم» آسیب بازی های رایانه ای را بررسی می کند

بازی هایی علیه سلامت روح

بازی های رایانه ای تبدیل به بخشی از زندگی روزمره کودکان و نوجوانان شده است. این سرگرمی نوین می تواند تهدیدی جدی علیه سلامت روح، روان و جسم کودکان باشد. هرچند که برخی از همین بازی ها البته از نوع معمايي، می تواند تاثیر مثبت مغزی برای فعالیت های ذهنی کودکان داشته باشد.



گفت و گوی «جام جم»

با تهیه کننده و مجری برنامه «انارستان»

کلینیک طب سنتی در شبکه افق



۶

گفت و گوی تفصیلی «جام جم» با علی رهبری

مدیران فرهنگی در حلقه رفقا گرفتار شده اند



۸

رسانه

فوتبال همراه با سلطان کمدي در تلویزیون

شبکه های سیما برای پایان هفته فیلم های متنوعی در نظر گرفته اند

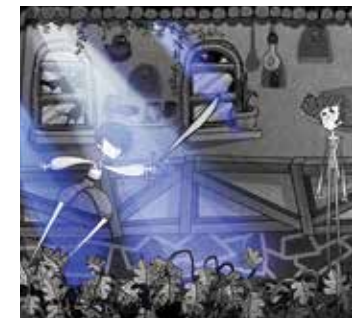


۷

بازی

بازی ساز «فانوس» در گفت و گو با جام جم:

می توانیم در بازار بین المللی رقابت کنیم



۱۱

عمق میدان



بررسی یک تلاش انحلال طلبانه

ریشه بیانیه ها و تحریم های سینماگران همسو با اغتشاشگری کجاست؟



برش

سینمای کوتاه ایران؛ با خودکامگی یا بر خودکامگی

در حقیقت عمل گروهی از فیلمسازان سینمای فیلم کوتاه بهانه ای است که بار دیگر درباره حقیقت این رخداد بیندیشیم. پس امروز ایران در معرض چالش های مختلف است. گفت و گو درباره ماهیت این تحولات مهم است. در یادداشت حاضر قصد تاکید بر موضوعی است که اهمیت آن کمتر مورد توجه قرار گرفته و آن ادراک امور جزئی چون اغتشاشات گروهی از مردم یا دفاع گروهی از سینماگران از اغتشاش در زمینه جهانی ظهور مقاومت انقلاب اسلامی برابر ظلم از منظر کلام... است. قصد تعیین چارچوب یک زاویه دید پژوهشی و اصرار بر اهمیت نظام فکری بر سهیم رخدادهاست. سخن پژوهشگرانه و عالمانه که متکی بر شناخت صحیح زمینه ها و جنبه های گوناگون هستی یک رخداد به ریشه های آن است، سخن بنیادین به شمار می آید. این سخن ممکن نیست در قالب یک یادداشت تبلیغی یا ژورنالیستی منعقد شود اما در یک یادداشت می توان دعوت به ژرف اندیشی درباره راه چنین تفکر جدی کرد. ما در سینما هم با چالش حق و باطل روبه رو هستیم. در برخورد، بایکوت و تحریم گروهی از فیلمسازان فیلم کوتاه، تلاش انحلال طلبانه آنها علیه جشنواره فیلم کوتاه، دعوت به این ژرف نگری ضروری است.

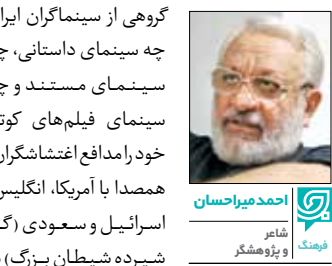
جنگ افروزی، در ترور دانشمندان و در صدها تحریم اقتصادی که برای هر کشوری می تواند فلاتک بار باشد، در جنگ رسانه ای، در بازی منفور احزاب همسو و هم سنخ و سربازان سیاسی غرب در داخل حکومت نقش محرک داشته. اینها را آزموده ایم و آنها شکست خورده اند. با این همه چه جای ندیده انگاشتن خودکامگان اصلی است. باید پرسید جز نیروی مدرن و نیز برده خودکامگی ارباب بزرگ جریان دیگری هم در سینما و سینمای کوتاه ما وجود دارد؟ حقیقت آن

فقط همان هایی نیستند که به لیدرهای ظاهری اغتشاش و جزئی از نقشه فروپاشی ایستادگی ایران برابر خودکامگی جهانی بدل و با دیکتاتوری مالی، نظامی و فرهنگی و داعش پروری همسو و همدست شده اند. قدرتی که در حال اضمحلال، دچار جنون علنی شده و حتی کودکان دارای بیماری پروانه ای را به قتل می رساند.

علیه ایران به ۴۳ سال کشتار و تحریم و فسادزایی و انواع راه های براندازی به جنگ نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و رسانه ای را نادیده می گیرند.

برندگان ترور و کشتار

قوه محرکه اغتشاشات و تحریم و ترور و کشتار به نحوی است که روشنفکران غربگرای ایران به سینماگران، سربازان و بردگان آن تبدیل شده اند. البته حقیقت آن است که کل سینما و سینمای کوتاه



احمد میرحسان
فصلنامه
فکر و پژوهشگر

گروهی از سینماگران ایران چه سینمای داستانی، چه سینمای مستند و چه سینمای فیلم های کوتاه خود را مدافع اغتشاشگران، همسدا با آمریکا، انگلیس، اسرائیل و سعودی (گاو شیرده شیطان بزرگ) به نمایش درآورده اند و چون دیگر گروه هایی که درون افشار مدرن، روشنفکران، نهاد های مدرن راه نموده اند؛ خود را سربازان مبارزه با خودکامگی معرفی می کنند. پس اول باید پرسید حقیقتا خودکامان واقعی در ایران و جهان چه کسانی هستند و سپس پرسید، این مدعیان قلمرو رسانه و هنر مدرن کرا چه نظام فکری ای دارند؟ مستقل هستند یا مقلد؟ با خودکامان همراه هستند یا همراه آزادخواهان جهان هستند؟

یاسخ به پرسش اول اصلا مشکل نیست. جنایت چند قرنی نظام استعماری و سپس نواستعماری و امپریالیستی و امروز نظام سلطه گری جهانی غرب و جهان مدرن، چنان علنی است که البته ترین کسانی که خود را به کوری می زنند؛ نمی توانند منکر این تاریخ شوند. سرمایه داری نولیبرال جهان بدترین نوع خودکامگی را رقم زده و به نمایش درآورده. حال پرسش آن است آیا فرقی بین اعتراض سینماگران آزاد آزادی و استقلال به فساد و فسادگری و به سود اصلاح امور با اغتشاشگری به سود هولناک ترین فساد و خودکامگی جهانی علیه انقلاب اسلامی وجود ندارد. تمایز یک جریان شبه فاشیستی دارای نقاب لیبرالی یا آزادخواهی حقیقی و واقعی چیست؟

ابتدا باید پرسیم آیا سینمای ایران در همه شکل بندی کوتاه، بلند، مستند و داستانی اش امروز با خودکامگی همراه شده است یا بر خودکامگی است و علیه خودکامان به کانون استکبار، تفرعن، زورگویی و استبداد جهانی است؟ سینمای ما آیا مدافع آزادی حقیقی ایران، ایرانیان و آزادی است یا همسو با افشار طرفدار فرعونیت عصر، برجم، شورش برای زیر بردگی را برداشته، چون طبقه متوسط شیلی علیه آئند؟

آیا در راه رشد، پیشرفت، عدالت، استقلال و نفس تباهی زندگی و فساد ریشه دار در سلطه گری جهانی به جنگ وحشیانه قدرت سرمایه بین المللی و علیه توطنه های شیطان بزرگ و هر قدرت سلطه خواه غربی و شرقی به پا خاسته یا سرباز جزئی از پروژه براندازی جهان غرب است که امروز حتی کوران مادرزاد هم به اعتراف نهاد های خود این کشورهای متفرعن و متکبر از آن باخبر هستند و تنها کسی که خود را به نابینایی عمدی زده، ماهیت این جنگ جهان سلطه گر و درنده

یادداشت

توجه به ذائقه مخاطب



حسین زاری
بازنگر
تلویزیون و سینما

توجه به ذائقه مخاطب و خواسته اش در بحث تولید سریال های ماندگار بسیار مهم است. نمی شود از مخاطب و خواسته های امروز چیزی ندانست و بعد به سمت تولید یک سریال فراگیر رفت. باید ابتدا نیازسنجی در حوزه مخاطب صورت گیرد و سپس به سمت این برویم که چه محصولی تولید کنیم. چند سال قبل جلسه ای با حضور مدیران سازمان و اهالی هنر برگزار شد و مدیران ضمن اعلام حمایت از تمام هنرمندان خواستند که بیابند طرح ارائه کنند و سریال بسازند. خیلی از هنرمندان مطرح به این دعوت پاسخ دادند و رفتند و کارهای خوبی مثل دیوار به دیوار ساخته شد که مورد پسند مخاطب قرار گرفت.

داشتن ساختاری قوی و دارا بودن داستانی جذاب و دراماتیک و طرح مسائل روز اجتماعی مثل اختلاس، طمع و... از جمله عواملی بود که باعث شد آن سریال مورد توجه قرار گیرد. الان هم اگر به دنبال تولید سریال های پربازری و قدرتمند هستیم چاره اش رفتن به سراغ افراد کاربلد و استفاده از داستان پردازان متبحر است.

در سال های اخیر عزم جدی در مدیران برای تغییر ساختار سریال های تلویزیونی صورت گرفته که قابل قدر دانی است ولی با حضور اخیر نیروهای جوان در رسانه ملی باید برای تحقق از بالقوه به بافعل آن، عزم جزم شود.

حتما اگر میل و اراده ای برای تغییر رویکرد در رسانه ملی و به خصوص سریال سازی باشد، ما هنرمندان آماده حضور و کمک به تولید آثار خوب و باکیفیت هستیم، چون همه هنرمندان خانه اول خود را تلویزیون می دانند که خاطرات فراوانی از آن دارند و اگر حرمت ها حفظ شود باز هم دل شان می خواهد برای تلویزیون کار کنند. حضور موثر هنرمندان شناخته شده در رسانه ملی، باعث می شود تلویزیون باز هم به روزهای خاطره خیز خود برگردد. البته برخی سریال های شبکه خانگی با بریزوبیاش رفته اند و با بازیگران مطرح را جلب کرده اند ولی چون منطقی پشت درام سازی های خود نداشته اند و صرفا در حال کپی برداری از سریال های تلویزیونی یا نمونه های ترک و لاتین هستند، متأسفانه به جریان سازی نرسیده اند.

این خوب نیست که در سریال های پلنفرم ها شاهد نوعی کپی برداری از سریال هایی مثل حریم سلطان باشیم یا نوعی لمپن بازی بی حاصل را عاملی کنند برای سریال هایی که ورزشکاران را عامل قاجاقچیان معرفی می کنند. سریال سازان پلنفرم ها به دامنه ماندگار سریال های تلویزیون نگریسته و سپس به طرح داستان و ارائه فیلمنامه بپردازند. در تلویزیون بیادین سیاست مورد استفاده قرار بگیرد که مخاطبان را شناخت و دانست آنها چه می خواهند و در ادامه به سمت تولید سریال های جذاب و همه فهمی رفت که اغلب مخاطبان را راضی کند.